

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Vanguard Woman

زن پیشتان

نویسنده: اناهیتا اردوان
فرستنده: دپلوم انجنیر نسرین معروفی
۲۱ اپریل ۲۰۲۱



۱۴

به ادامه گذشته:

سوفیا چرنسویتو (اسمیدویچ)

«سوفیا چرنسویتو»، سال ۱۸۷۲ در شهر تولای روسیه به دنیا آمد. سال ۱۸۹۸ به حزب کارگری سوسیال دموکرات پیوست و در انقلاب فوریه ۱۹۰۵ شرکت کرد. پس از مرگ نابهنگام همسرش، با یکی از اعضای پیشتان حزب بلشویک در مسکو، «پیتر اسمیدویچ»، ازدواج کرد.

سوفیا اسمیدویچ بارها توسط مأموران تزار دستگیر و در سال ۱۹۱۰ به سبیری تبعید شد. پس از رهایی، نقش بسزایی در انقلاب اکتبر روسیه ایفاء نمود.

اسمیدویچ، که به برابری جنسیتی اعتقاد راسخ داشت، از تلاش «الکساندر کلنتای» و «اینسا آرماند» در ایجاد کمیسیون ویژه زنان در حزب کمونیست،

به نام «ژنوتدال»، فعالیت و تبلیغ میان زنان کارگر و جذب آنان به ساختمان سوسیالیسم، حمایت کرد. ژنوتدال با مدیریت اینسا آرماند و الکساندرا کلنتای در سال ۱۹۱۹، تأسیس شده بود. مدیریت ژنوتدال، با تغییر مسئولیت کلنتای و واگذاری پست دیپلوماتیک در خارج از کشور به وی توسط «جوزف استالین» در سال ۱۹۲۱، به اسمیدویچ محول گشت.



سولیتود

«سولیتود»* از مادری سیاهپوست در حوالی سال ۱۷۷۲ در جزیره گوآدولوپ، از مستعمرات فرانسه در دریای آنتیل، به دنیا آمد. مادرش را در

* - «سولیتود» در زبان فرانسه به معنی «تنهایی» است.

دهکده «کاربه دو کاپستر» دستگیر میکنند و به بردگی میبرند. در مسیر، بارها مورد تجاوز جنسی قرار میگیرد. از این رو، سولیتود دورگه به دنیا می آید.

سال ۱۷۹۴ برده داری منسوخ شد. اما، ناپلئون بناپارت هشت سال بعد دوباره برده داری را برقرار ساخت. ناپلئون، سربازانش را برای سرکوب بردگان آزاد شده به گوآدولوپ گسیل داشت. سولیتود نیز به خاطر دو رگه



سال ۱۷۹۴ برده داری منسوخ شد. اما، ناپلئون بناپارت هشت سال بعد دوباره برده داری را برقرار ساخت. ناپلئون، سربازانش را برای سرکوب بردگان آزاد شده به گوآدولوپ گسیل داشت. سولیتود نیز به خاطر دو رگه بودن، برده به حساب می‌آمد. او علی رغم بارداری، با جسارت بی نظیری به مبارزان پیوست و تا آخرین نفس مسلحانه جنگید. سرانجام در حالی که به شدت زخمی بود، دستگیر شد.

سولیتود، این زن آزادیخواه و رزمنده، فردای روز زایمان، ۲۹ نوامبر ۱۸۰۲، به دار آویخته شد.

سیلویا پنکهورست

«سیلویا پنکهورست» در سال ۱۸۸۲ در منچستر انگلیس به دنیا آمد. او دومین دختر خانواده امیلین پنکهورست، مؤسس اتحادیه اجتماعی و سیاسی زنان، که به جنبش حق رأی و انتخاب شدن زنان معروف است، می باشد.

سیلویا در دوران کودکی با شخصیت‌های مشهوری مانند «ویلیام موریس»، سوسیالیست معروف و «کرهاردی»، مؤسس حزب کارگر، به دلیل رابطه دوستی با پدرش که وکیل بود، آشنا شد. از عنفوان جوانی به خاطر فعالیت و اعتراض به نابرابری جنسیتی، حمایت از جنبش حق رأی و انتخاب شدن زنان، بارها دستگیر و زندانی گشت. ولی، سیلویا علایق ایدئولوژیک و فرهنگی دیگری نیز داشت. وی از قریحه و استعداد بی نظیری در عرصه هنر، به ویژه نقاشی و گرافیک، برخوردار بود و در دانشگاه هنر، تحصیل می کرد. برخی از زیباترین و برجسته ترین آثار نقاشی سیلویا، از جنبش حق رأی و انتخاب شدن زنان الهام گرفته اند. سیلویا، در دانشگاه متوجه تبعیض جنسیتی بین دانشجویان مرد و زن پیرامون اعطای کمک هزینه تحصیلی، شد. اعتراض وی به این تفکیک جنسیتی با وجود اعتراضات کرهاردی در مجلس، نادیده گرفته شد.



مادر سیلویا نیز، مؤسس اتحادیه سیاسی و اجتماعی زنان بود. انترناسیونالیسم در کانون تفکر سیلویا قرار داشت به گونه ایی که معتقد بود هر جا انسانی به کمک نیازمند است، کشور اوست. بدین ترتیب، بخاطر فعالیت برای مبارزه برای حق رأی و انتخاب شدن زنان، حرفه هنری را ترک کرد. سال ۱۹۲۰، به دلیل نگارش مقالات سیاسی و انتشار آنان در «کارگران بی پروا» دستگیر و زندانی شد. سراسر عمرش به



موازت فعالیت سیاسی به انتشار مقالات ادبی و هنری نیز، پرداخت. علاقه شدیدش به مادران و کودکان سبب شد تا در سال ۱۹۳۰، رساله «مادران را نجات دهید» را انتشار دهد. «مادران را نجات دهید» دادخواستی جهت جلوگیری از فاجعه دردناک مرگ و میر سالانه سه هزار زن باردار و بیست هزار نوزاد در انگلیس و دیگر نقاط جهان، بود. در همین دوران، سیلویا با انقلابی ایتالیایی، سیلویو کاریو، چاپگر و روزنامه نویس علاقه مند به مسائل سیاسی، آشنا و زندگی مشترک را آغاز کردند. فرزندشان، ریچارد، در سال ۱۹۲۷ به دنیا آمد.

سیلویا، بعد از مرگ کاریو در سال ۱۹۵۴، به فعالیت سیاسی، نبرد علیه استثمار و ارتقاء حقوق بشر در سراسر جهان، ادامه داد. سال ۱۹۵۶، جهت

تغییر وضع اسفناک مادران و کودکان به اتیوپی، سفر کرد. در اتیوپی، موفق به گشایش بیمارستان زنان گشت.

فعالیتها و حمایتهای چشمگیر سیلویا پنکهورست، چهره یی مشهور از وی در کشور اتیوپی به جای گذاشت آنچنان که پس از فوت، پیکر سیلویا طی مراسم تدفین باشکوهی در گورستان ویژه قهرمانان کشور اتیوپی، به خاک سپرده شد.

سراسر زندگی سیلویا، از کوشش و تلاش بی درنگ از منافع کارگران و زحمتکشان، آکنده است. اگر چه شهرت خانواده «پنکهورست» نشان از مبارزه جهت وصول حق رأی و انتخاب شدن زنان دارد. اما، آنچه فعالیت‌های سیلویا پنکهورست را برجسته و از دیگر اعضای خانواده او متمایز می‌سازد، رویکرد طبقاتی وی در تجزیه و تحلیل پدیده هاست. این رویکرد به روزهای نخستین آشنایی وی با جنبش حق رأی و انتخاب زنان و اتحادیه اجتماعی و سیاسی زنان، که توسط امیلین پنکهورست در سال ۱۹۰۳، تأسیس گردید، باز می‌گردد.



بنیانگذاران و فعالان اتحادیه اجتماعی و سیاسی زنان در ابتدا به ارتباط جنبش زنان با جنبش کارگری اعتقاد داشتند. ولی پس از قرن نوزدهم، در جنبش و اتحادیه مزبور، گرایشی مبنی بر استقلال مبارزات زنان و جداسازی آن از مبارزات کارگری، رشد و چیره گشت. اتحاد چنین رویکرد رادیکالی، او را به یکی از بنیانگذاران حزب کمونیست انگلیس، مبدل ساخت.

اتحادیه سیاسی- اجتماعی زنان بدون تردید نقش عظیمی در برجسته ساختن حق رأی و انتخاب زنان، با برگزاری راهپیمایی و نشست که در برخی مواقع

به دستگیری و زندانی شدن فعالان و خشونت نیز کشیده شد، ایفاء نمود. از این جهت، سیلویا پنکهورست بر خلاف جایگاه طبقاتی اش، که از خانواده متوسطی میامد و از امتیازات قابل توجهی برخوردار بود، گرایش فزاینده‌ی بی‌حمایت از منافع طبقه کارگر، داشت. دو سال پس از تأسیس اتحادیه سیاسی- اجتماعی زنان، زنان کارگر صنعت کتان، با امضاء عریضه‌ی و ارسال آن به مجلس کشور، خواستار لغو استثمار و تبعیض شدند. با گذشت زمان، مشارکت زنان کارگر در اعتصابات و گردهماییها برای مخالفت با بیکاری و دستمزدهای پایین، افزونتر گشته بود. سال ۱۹۰۴، راهپیمایی هزارنفری در ضدیت با معضل بیکاری، توسط پنکهورست و یارانش، سازماندهی گردید.

نقاشی از زندگی کارگران و زحمتکشان در سال ۱۹۰۷، سبب شد که سیلویا بیشتر از پیش با استثمار، حرمان و نابرابری که بر زندگی کارگران سایه سنگینی افکنده بود، پی ببرد. این تجربیات باعث می شود که تاکتیکهای مبارزاتی اتحادیه سیاسی- اجتماعی زنان را مورد نقد قرار دهد و بیش از پیش در اعتراضات قهرآمیز علیه سیاستهای ضدکارگری دولت، شرکت نماید. در طول سالهای ۱۹۱۳ تا ۱۹۱۴، بیش از ده بار به اعتصاب غذا، مبادرت ورزید. به عقیده سیلویا، هرچه همه گیر شدن جنبش ضد سیاستهای کارگری، نیاز و ضرورت دوران، بود. سال ۱۹۱۲، تمام کارهای هنری خود را تعطیل کرد و به طور تمام وقت به تبلیغ و جذب نیروهای بالقوه به ویژه زنان کارگر، فعالیت نمود. در این روند، مجله کارگری «دیلی هرالد» را تأسیس و بیش از ده هزار گردهمایی، سخنرانی و تبادل نظر پیرامون مسائل کارگری، را سازماندهی و رهبری کرد.

فعالتهای مزبور باعث انشعاب در اتحادیه سیاسی- اجتماعی زنان شد و فدراسیون کارگران شرق لندن، تأسیس گردید. انشعاب مزبور، جامعه کارگری

انگلیس را دو قطبی کرد، به طوری که از سال ۱۹۱۱ تا ۱۹۱۴، کارگران حوزه های گوناگون، پزشکان، کارگران راه آهن و مهندسان به طور مرتب در اعتراضات و اعتصابات شرکت داشتند و حتی بسیاری از فعالان اتحادیه سیاسی- اجتماعی زنان نیز دستگیر یا مجبور به فرار شده بودند.

فدراسیون کارگران شرق انگلیس با فعالیت شبانه روزی سیلويا، موفق به برگزاری هیجده گردهمایی پیرامون مسائل زنان کارگر شد. جنبش زنان نیز مانند جنبش کارگری با آغاز جنگ جهانی اول، دچار افکار مغشوشی شده بود، تا جایی که برخی از کنشگران حقوق زنان از جنگ حمایت می کردند. اما، موضع سیلويا علیه جنگ بود و به فعالیتهای کارگری به ویژه در میان زنان کارگر در دورانی که مردان عازم جنگ شده بودند و بنابراین، میزان کارگران زن از نظر کمی افزایش یافته بود، مبادرت می ورزید.

پیروزی انقلاب اکتبر نوید بخش نظرات سیلويا پنکهورست گشت آنگونه که به مثابه یکی از اعضای فعال فدراسیون کارگری انگلیس و حقوق زنان، نام روزنامه یی را که به مسائل زنان کارگر می پرداخت، «زنان بی باک»، به «کارگران بی باک» تغییر داد.

سیلويا از انقلاب و موضع بلشویکها دفاع کرد تا آن جا که انقلابیون بلشویک، او را «دوشیزه روسیه» لقب دادند.

سیلويا پانهورست، به مثابه یکی از بنیانگذاران و کنشگران حزب کمونیست انگلیس، با فعالیت کمونیستها در پارلمان موافق نبود و مصرانه ایمان داشت که جنبش کمونیستی بایستی دکترین خود را زلال و روشن در راستای تحقق انقلاب سوسیالیستی حفظ و پاس دارد.

وی، در مدت بیست سال آخر زندگی، به مبارزه علیه فاشیسم و تاخت و تاز موسولینی، پرداخت و به همین منظور در سال ۱۹۳۶ «اتیوپی نیوز- اخبار

اتیوپی» را دایر کرد.

پس از سالها تلاش بی وقفه و مبارزه بی امان، جهت سیادت طبقه کارگر و حمایت قاطع از منافع زنان کارگر و سوسیالیسم، در سال ۱۹۶۰، در سن ۷۸ سالگی، دیده از جهان فرو بست.

ادامه دارد